

نقش تعدیلی گزارش حسابرس بر رابطه بین اثربخشی کمیته حسابرسی و ریسک سقوط قیمت سهام

محسن محمودی مینایی^۱، سید محدثه سیدی^۲

^۱ کارشناسی ارشد حسابداری، موسسه آموزش عالی حکیم نظامی قوچان-قوچان ایران (نویسنده مسئول)

^۲ کارشناسی ارشد حسابداری، موسسه آموزش عالی حکیم نظامی قوچان-قوچان ایران

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی نقش تعدیلی گزارش حسابرس بر رابطه بین اثربخشی کمیته حسابرسی و ریسک سقوط قیمت سهام در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بین سال های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۷ است. با استفاده از روش حذف سیستماتیک در مجموع شرکت (سال - شرکت) جهت بررسی رابطه بین متغیرهای پژوهش بعنوان نمونه انتخاب شد. در این پژوهش از رگرسیون چندمتغیره و نرم افزار ایویوز ۱۰ جهت پیاده سازی و آزمون فرضیه ها استفاده شده است. نتایج این پژوهش نتایج نشان می دهد که نتایج نشان می دهد که بین اثربخشی کمیته حسابرسی و ریسک سقوط قیمت سهام رابطه معناداری دارد. گزارش حسابرس رابطه بین اثربخشی کمیته حسابرسی و ریسک سقوط قیمت سهام تعدیل می کند.

واژه های کلیدی: گزارش حسابرس، اندازه کمیته حسابرسی، تخصص مالی کمیته حسابرسی، ریسک سقوط قیمت سهام.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه:

رسوایی اخیر شرکتهای بزرگ (همچون، انرون، وردکام و تایکو) موج ب نگرانی عمومی در یکپارچگی اطلاعات منتشر شده در بازار سرمایه و عملکرد اخلاقی در فرایند گزارشگری مالی شده است. برای رفع این نگرانی ها قوانین جدیدی ایجاد شد که موجب تغییرات گسترده ای در نیاز های حاکمیت شرکتی و بهبود کیفیت گزارشگری مالی شده است، که یکی از این تغییرات اساسی و ضروری وجود کمیته حسابرسی در ساختار حاکمیت شرکتی شرکتهای می باشد. کمیته حسابرسی به عنوان یکی از کمیته های فرعی از هیئت مدیره و جزئی ضروری از ساختار اثر بخش کنترل داخلی شرکت به حساب آمده و همچنین وظیفه با اهمیتی از طرف سهامداران جهت نظارت بر فرایند گزارشگری مالی و حسابرسی داخلی و همچنین حسابرسی مستقل دارد. عامل مهمی که بر شفافیت شرکت تأثیر می گذارد، فعالیت کمیته حسابرسی است. حسابرسی هنگامی اظهار نظر تعدیل شده ارائه میکند که حداقل در طی دوره مورد رسیدگی یک عدم قطعیت با اهمیتی که مدیریت نمیتواند یا مایل نیست آن را تقویم و در صورتهای مالی منعکس کند، وجود داشته باشد. این عدم قطعیت ها ممکن است که قبل یا در زمان انتشار گزارش مشروط حسابرسی به صورت بازده (منفی) غیرعادی ظاهر شوند. در صورتی که بازده غیرعادی با انتشار گزارش تعدیل شده حسابرسی همزمان شود، میتوان چنین استدلال کرد که گزارش حسابرسی دارای محتوای اطلاعاتی است (لادر و همکاران، ۱۹۹۲). بنابراین، میتوان نتیجه گرفت که گزارش تعدیل شده حسابرسی دارای محتوای اطلاعاتی است. گزارش تعدیل شده حسابرسی هنگامی دارای محتوای اطلاعاتی است که انتظارات سرمایه گذاران در مورد توزیع احتمال بازده (قیمت) آینده اوراق بهادار را تغییر دهد، به گونه ای باشد که باعث تغییر نقطه تعادل قیمت جاری بازار شود. این مطالعه بررسی می کند که آیا بین اثربخشی کمیته حسابرسی و ریسک سقوط قیمت سهام رابطه معناداری وجود دارد یا خیر؟ آیا گزارش حسابرس رابطه بین اثربخشی کمیته حسابرسی و ریسک سقوط قیمت سهام را نقش تعدیلی می کند یا خیر؟

مبانی نظری:

جدایی مالکیت از مدیریت، تضادهای نمایندگی ایجاد کرده و ممکن است مدیر را به سمت فرصت طلبی و نفع شخصی سوق دهد. یکی از راه های رسیدن به برخی منافع شخصی، مدیریت سود است. مدیریت سود به مداخله عمومی مدیریت در فرایند تعیین سود اطلاق می شود که اغلب در راستای اهداف دلخواه مدیریت است (کیم و پارک، ۲۰۱۴). با توجه به نقش حسابرسی در اعتباردهی صورتهای مالی، از حسابرس انتظار می رود تحت تاثیر رویه های حسابداری سؤال برانگیز و تحریفات با اهمیت صورت گرفته برای مدیریت سود قرار نگیرد بلکه آنها را کشف و گزارش کند.

به هر حال، وقوع رسوایی های مالی در دهه های اخیر این سوال تجربی را مطرح کرد که آیا حسابرسان توانایی کشف و گزارش مدیریت سود را دارند؟ با توجه به نتایج متفاوت مطالعات پیشوین، دو دیدگاه متضاد شکل گرفته است. بر اساس دیدگاه اول شرکتهایی که در معرض بحران قرار دارند و تداوم فعالیت آنها با ابهام رو به روست، ممکن است برای پنهان کردن وضعیت خود به مدیریت سود اقدام کنند. در این وضعیت، حسابرس برای کاهش ریسک دعاوی حقوقی و ریسک از دادن شهرت، رویکردی محافظه کارانه درپیش میگیرد. دسته اول به محافظه کاری بیشتر حسابرس در زمان وجود ابهام با اهمیت در تداوم فعالیت شرکت معتقدند و بیان میکنند احتمال صدور گزارش مشروط در این گونه موارد با اقلام تعهدی اختیاری، رابطه مستقیمی دارد. در این دیدگاه، دلیل اصلی صدور گزارش مشروط را ابهام در تداوم فعالیت، نه مدیریت سود نبود ارتباط بین اظهار نظر مشروط و مدیریت سود می دانند. به بیان دیگر، بر اساس این دیدگاه، برخی شرایط مانند ابهام در تداوم فعالیت شرکت به دلیل بالا بردن ریسک حسابرس، حساسیت و محافظه کاری حسابرس را افزایش میدهد و در این گونه موارد، احتمال صدور گزارش مشروط بیش از مواقعی است که تنها مدیریت سود

صورت گرفته و چنین وضعیت حسابرسی ابهام در تداوم فعالیت وجود ندارد (کارسلو و همکاران، ۱۹۹۴). بر اساس دیدگاه دوم، مدیریت سود علت صدور گزارش مشروط به هر دلیلی اعم از ابهام در تداوم فعالیت یا دلایل دیگر است. بر این اساس با افزایش ارقام تعهدی اختیاری که ناشی از دستکاری در ارقام درآمد-هزینه ای قلمداد می شود، احتمال صدور گزارش مشروط نیز افزایش می یابد و این موضوع لزوماً ارتباطی با تداوم فعالیت شرکت ندارد.

به دو دلیل انتظار می رود بین ارقام تعهد اختیار و ریسک ذاتی حسابرسی، رابطه مستقیم وجود داشته باشد. نخست؛ با فرض فرصت طلبی مدیریت، ارقام تعهد ابزار است در دست مدیریت برای دستکاری سود گزارش شده و مدیران ارقام تعهد را به نفع خودشان دستکار می کنند و دوم؛ ارقام تعهد چالشی برای حسابرسان محسوب می شود که برای حساب های پریسک، مانند حسابها دریافتی و موجودی ها، مرتبط است.

در ارتباط با نحوه برخورد «تداوم فعالیت» در استاندارد حسابرسی ایران، بخش ۵۷۰ با عنوان حسابرسان با مسئله ابهام در تداوم فعالیت شرکت صاحبکار چنین آمده است: حسابرس در جریان برنامه ریزی و اجرای روشهای حسابرسی و ارزیابی نتایج حاصل از آن، باید مناسب بودن استفاده مدیریت را از فرض تداوم فعالیت در تهیه صورت های مالی، بررسی کند. چنانچه به نظر حسابرس واحد مورد رسیدگی قادر به ادامه فعالیت نباشد، اما صورتهای مالی بر مبنای تداوم فعالیت تهیه شده باشد، حسابرس باید با توجه به میزان اهمیت، حسب مورد، نظر مشروط یا مردود ارائه کند. در صورت وجود ابهام با اهمیت درباره تداوم فعالیت و افشای کافی در صورت های مالی، حسابرس باید نظر مقبول اظهار کند، اما با افزودن یک بند توضیحی حاوی وجود ابهام با اهمیت درباره رویدادها یا شرایطی که ممکن است به تردیدی عمده در مورد توانایی واحد مورد رسیدگی به ادامه فعالیت بینجامد و با اشاره به یادداشت توضیحی صورت های مالی، گزارش خود را تعدیل کند. در صورت وجود ابهام با اهمیت و عدم افشای کافی در صورت های مالی، حسابرس باید نظر مشروط ارائه کند. گزارش باید به روشنی بیانگر این واقعیت باشد که ابهامی با اهمیت وجود دارد که ممکن است درباره توانایی واحد مورد رسیدگی به ادامه فعالیت، تردیدی عمده ایجاد کند. در موارد وجود ابهام اساسی درباره تداوم فعالیت یا وجود موارد متعدد ابهام با اهمیت، شامل ابهام درباره تداوم فعالیت که آثار بالقوه آن در مجموع اساسی باشد، حسابرس باید صرف نظر از افشا یا عدم افشای آنها در صورت های مالی، نسبت به آن صورتهای، عدم اظهار نظر ارائه کند.

هدف از حسابرسی صورتهای مالی این است که حسابرس درباره ی درستی تهیه و ارائه آنها از کلیه جنبه های با اهمیت در انطباق با اصول متداول حسابداری، اظهار نظر کند. اظهار نظر حسابرس اعتبار صورتهای مالی را افزایش می دهد. اما عواملی چون قضاوت، استفاده از نمونه گیری در رسیدگیها، محدودیتهای ذاتی سیستم های حسابداری و کنترل های داخلی موجب می شود که دستیابی به اطمینان مطلق در حسابرسی ممکن نشود.

بند اظهار نظر گزارش حسابرس حاوی نظر صریح حسابرس در این باره است که آیا صورتهای مالی، از تمام جنبه های با اهمیت طبق استانداردهای حسابداری به نحوه مطلوب ارائه شده است یا خیر.

محصول نهایی حسابرسی از یک واحد تجاری گزارشی است که حسابرسی در آن نظر حرفه ای خود را در مورد مطلوبیت صورتهای مالی ارائه می کند.

۱. اظهار نظر مقبول: نظر مقبول باید در مواردی اظهار شود که حسابرس به این نتیجه برسد که صورتهای مالی، از تمام جنبه های با اهمیت طبق استانداردهای حسابداری به نحو مطلوب ارائه شده است. نظر مقبول به طور ضمنی بیانگر آن است که هر گونه تغییر در اصول حسابداری یا در روشهای کاربرد این اصول و آثار آنها به نحوی مناسب تعیین و در صورتهای مالی درج و یا افشا شده است. اظهار نظر مقبول موقعی صادر می گردد که صورت مالی عاری از تحریف با اهمیت باشد.

۲. اظهار نظر مشروط: نظر مشروط در مواردی اظهار می شود که موارد با اهمیت ولی غیر اساسی در عدم رعایت استانداردهای حسابداری توسط واحد رسیدگی و یا محدودیت در رسیدگی وجود داشته باشد. در مواردی که تحریف صورتهای مالی و محدودیت در رسیدگی در مجموع و یا به تنهایی دارای اثر با اهمیت ولی غیر اساسی بر صورت مالی باشد گزارش حسابرس به صورت مشروط خواهد بود؛ گزارش مشروط یک نوع اظهار نظر مقبول است اما به استثنای مواردی که در بندهای مبنای تعدیل اظهار نظر بنا به دلایل فوق ذکر گردیده و در بند اظهار نظر نیز استثنا شده باشد.

۳. اظهار نظر مردود یا منفی یا رد: در صورت عدم رعایت موارد اساسی در رعایت استانداردهای حسابداری توسط واحد رسیدگی، حسابرس نظر مردود اظهار می نماید. موقعی که حسابرس با کسب شواهد حسابرسی کافی به این نتیجه برسد که تحریف ها به تنهایی یا در مجموع نسبت به صورتهای مالی با اهمیت و فراگیر است و مطلوبیت کلی صورت مالی را مخدوش می کند گزارش حسابرس به صورت مردود صادر می شود.

۴. عدم اظهار نظر: در صورت وجود محدودیت اساسی در دامنه رسیدگی و یا ابهام اساسی نسبت به صورتهای مالی عدم اظهار نظر ارائه می شود.

در اجرای ماده ۱۰ دستورالعمل کنترل های داخلی برای ناشران پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران، منشور کمیته حسابرسی شرکت نمونه (سهامی عام) در تاریخ ۱۳۹۱/۱۱/۲۳ شامل ۱۴ ماده و ۲ تبصره به تصویب هیئت مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار رسید و از تاریخ تصویب، لازم الاجراست.

ماده (۱): هدف از تشکیل کمیته حسابرسی، کمک به ایفای مسئولیت نظارتی هیئت مدیره و بهبود آن جهت کسب اطمینان معقول از موارد زیر می باشد:

- ۱- اثربخشی فرآیندهای نظام راهبری، مدیریت ریسک و کنترل های داخلی،
- ۲- سلامت گزارشگری مالی،
- ۳- اثربخشی حسابرسی داخلی،
- ۴- استقلال حسابرس مستقل و اثربخشی حسابرسی مستقل و
- ۵- رعایت قوانین، مقررات و الزامات.

ماده (۲): هیئت مدیره در چارچوب مسئولیت های کمیته حسابرسی، به آن اختیار می دهد که:

- ۱- فعالیتهای خود را در محدوده منشور کمیته حسابرسی انجام دهد،
- ۲- در صورت نیاز، مشاوران ذیصلاح را در راستای انجام وظایف خود به کار گیرد،
- ۳- به مدیران، کارکنان و اطلاعات مورد نیاز دسترسی نامحدود داشته باشد،
- ۴- رویه هایی را برای دریافت، نگهداری و رسیدگی به شکایت ها و گزارش های تخلف دریافتی در رابطه با گزارشگری مالی و کنترلهای داخلی یا سایر موضوعات مربوط به شرکت و شرکت های فرعی وضع کند، و
- ۵- از مدیران، کارکنان و حسابرس مستقل شرکت و شرکت های فرعی یا افراد دیگر به منظور حضور در جلسه دعوت به عمل آورد.

ماده (۳): هیئت مدیره تمهیداتی را فراهم می آورد که:

- ۱- منابع مورد نیاز برای انجام وظایف این کمیته به طور کامل و بدون هیچ مانعی در اختیار آن قرار گیرد،
- ۲- اطلاعات مناسب، کافی و به موقع در اختیار کمیته حسابرسی قرار گیرد،
- ۳- نحوه جبران خدمات اعضای کمیته در چارچوب قوانین و مقررات مربوط معین گردد، و
- ۴- زمان کافی برای رفع عدم توافق های بین هیئت مدیره شرکت و کمیته حسابرسی جهت بحث و

ماده (۴): اهم مسئولیت های کمیته حسابرسی نسبت به حسابرسی مستقل، به شرح زیر است:

- ۱- پایش استقلال حسابرس مستقل و عدم تضاد منافع بالقوه آن با توجه به آیین رفتار حرفه ای حاکم بر حسابرس مستقل،
- ۲- بررسی کلیه شرایط قرارداد حسابرسی و تناسب حق الزحمه دریافتی حسابرس مستقل،
- ۳- ارائه پیشنهاد درباره انتخاب، چرخش یا تغییر حسابرس مستقل و بازرس قانونی به هیئت مدیره متناسب با بررسی ها و الزامات،
- ۴- پایش اثربخشی عملکرد حسابرس مستقل و بازرس قانونی شرکت و نتایج کار آن ها،
- ۵- مذاکره با حسابرس مستقل و بازرس قانونی درباره برنامه ریزی کلی و راهبرد حسابرسی،
- ۶- حسب مورد، کسب اطمینان معقول از هماهنگی حسابرسی مستقل شرکت های اصلی و فرعی در مواردی که بیش از یک مؤسسه حسابرسی درگیر کار حسابرسی است،
- ۷- هماهنگ سازی امور حسابرسی مستقل با حسابرسی داخلی،
- ۸- بررسی پیش نویس گزارش حسابرس مستقل و بازرس قانونی و مساعدت جهت رفع اختلاف نظر بین حسابرس مستقل با هیئت مدیره و مدیرعامل،
- ۹- بررسی نتایج یافته های حسابرس مستقل و بازرس قانونی با حضور مدیریت اجرایی. این بررسی شامل بررسی هرگونه محدودیت در دامنه رسیدگی حسابرس مستقل، هرگونه عدم توافق حسابرس مستقل با مدیریت، قضاوت های کلیدی حسابداری و حسابرسی، اشتباهات و اصلاحات گزارش های مالی و حسب مورد پاسخ خواهی از مدیریت اجرایی نیز می باشد،
- ۱۰- بررسی "نامه مدیریت" حسابرس مستقل و پیگیری اقدامات مدیریت ارشد در پاسخ به آن،
- ۱۱- بررسی و پیگیری اقدامات انجام شده برای رفع بندهای مندرج در گزارش حسابرسی و بازرس قانونی و تکالیف تعیین شده توسط مجامع عمومی،
- ۱۲- اعلام نظر قبلی در خصوص انجام خدمات غیر حسابرسی مجاز با توجه به آیین رفتار حرفه ای توسط حسابرس مستقل و همچنین مهارت و تجربه حسابرس برای ارائه این خدمات، و

۱۳- برقراری امکان ارتباط آزاد و کامل حسابرس مستقل با کمیته حسابرسی.

دو نهاد اصلی در فرآیند حسابرسی عبارتند از ۱- افراد تیم رسیدگی، و ۲- آزمونهای حسابرسی که به منظور گردآوری شواهد انجام می شوند. کیفیت حسابرسی وقتی افزایش می یابد که کار رسیدگی به افراد شایسته محول شود. در حالی که ممکن است ما به گونه ای منطقی فرض کنیم که شایستگی حسابرسان بر اساس الزامات آموزش عمومی و گواهینامه های حرفه ای تعیین می شود، اما واقعیت این است که شناخت بسیار اندکی از افرادی که کار حسابرسی را انجام می دهند، در اختیار داریم. این موضوع چه اهمیتی دارد؟ همانطور که در ادبیات روانشناسی اجتماعی بحث می شود، ویژگی های افراد (مثل ویژگی های فیزیولوژیکی و شناختی) می تواند عملکرد آنها را تحت تأثیر قرار دهد. جالب اینجاست که در ۲۰ سال گذشته تحقیقات اندکی راجع به این موضوع انجام شده است (مراذاده و همکاران، ۱۳۹۶).

یکی از موضوعات مهم اما کار نشده در رابطه با شواهد حسابرسی، رابطه بین سیستم کنترل داخلی و صحت صورتهای مالی است. بر اساس مدل ریسک حسابرسی، اگر سیستم کنترل داخلی قابل اتکا باشد و احتمال خطا در صورتهای مالی کاهش یابد، حسابرس به شواهد کمتری از محل آزمونهای حسابرسی نیاز دارد. با توجه به اینکه ارزیابی ریسک کنترل در قلب مدل ریسک حسابرسی قرار دارد، نبود تحقیقات کافی در این زمینه تعجب برانگیز است. به طور خلاصه، ما دانش کافی در خصوص اینکه قابلیت اتکای سیستم کنترلی چگونه بر صحت صورت های مالی شرکت تأثیر می گذارد، در اختیار نداریم. ماک و رایت (۱۹۹۹) به این نتیجه رسیدند که ارزیابی حسابرسان از ریسک کنترل که در کاربرد های حسابرسی مستندسازی شده است، تأثیر اندکی بر آزمون های دیگر داشته است. در نتیجه، قبل از اینکه بخش ۴۰۴ ساربنز آکسلی، ارزیابی رسمی سیستم های کنترلی صاحبکار را اجباری کند، حسابرسان از آزمون های وسیع و دقیق سیستم های کنترل داخلی فاصله گرفتند، زیرا نحوه تفسیر ضعف سیستم کنترل داخلی به منظور تعیین اثر آن بر صحت صورتهای مالی صاحبکاران روشن نبود. علی رغم اجباری شدن ارزیابی رسمی سیستم های کنترلی صاحبکار و افزایش قابل ملاحظه حق الزحمه های حسابرسی، مشکل مزبور هنوز هم وجود دارد (مراذاده و همکاران، ۱۳۹۶).

دلیل دیگر برای دشواری ارزیابی قابلیت اتکای شواهد یا تعیین تأثیر آن بر صحت صورت های مالی، از این مسئله ناشی می شود که حسابرسان تقریباً به ندرت با خطاها یا تقلب های با اهمیت مواجه می شوند. به عبارت دیگر، حرفه حسابرسی پایگاه داده خوبی برای کمک به حسابرسان در اختیار ندارد تا بر اساس آن تعیین شود که اگر مجموعه خاصی از علائم از سیستم کنترلی صاحبکار مشاهده شود، آیا احتمال خطا در صورتهای مالی با اهمیت است یا خیر. متأسفانه، ریسک طرح دعوی حقوقی علیه حسابرسان باعث می شود که از به اشتراک گذاشتن این نوع اطلاعات اجتناب ورزند.

فرآیند حسابرسی، نحوه بکار گرفتن نهاد های حسابرسی را نشان می دهد. فرآیند حسابرسی شامل تصمیمات و قضاوت هایی است که حسابرسان در رابطه با برنامه ریزی، گردآوری شواهد، و تفسیر شواهد به منظور احراز الزامات گسترده استانداردهای حسابرسی اتخاذ می کنند تا شواهد کافی و قابل اطمینان به عنوان پشتوانه اظهارنظر خود فراهم آورند (رویایی و ابراهیمی، ۱۳۹۴).

دیدگاه های نظری و عملی بسیاری در پژوهش ها نشان میدهند که تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی سبب اثربخشی بیشتر آن میشود و به عنوان یکی از مکانیزم های حاکمیت شرکتی، داشتن اعضای با دانش حسابداری و حسابرسی جهت نظارت بهتر و اثربختر ضروری است و وجود حسابداران رسمی در کمیته حسابرسی سبب کاهش اقدامات اجباری از جانب قانونگذاران یا تجدید گزارشات فصلی شده است. متخصصان مالی به سبب داشتن دانش مالی برتر و درک مسائل مالی و مشکلات گزارشگری، مسئولیت بیشتری را در فرآیند گزارشگری مالی بر عهده دارند. بنابراین، این افراد انگیزه بیشتری دارند تا رویکردهای حسابداری محافظه کارانه را به منظور افزایش شهرت در حفظ سرمایه، افزایش احتمال انتصاب در سایر مناصب مدیریتی و کاهش ریسک.

ریسک ریزش (سقوط) قیمت سهام در بازار یکی از نگرانی‌های اصلی سرمایه‌گذاران است و پژوهش در این زمینه می‌تواند برای بازار سرمایه حائز اهمیت باشد. افزایش پدیده ریزش قیمت سهام، سبب بدبینی سرمایه‌گذاران در مورد سرمایه‌گذاری در بورس اوراق بهادار می‌شود که این مسئله در نهایت می‌تواند سبب خارج ساختن منابع سرمایه‌گذاران توسط آن‌ها از بهابازار اوراق بهادار شود، بنابراین دانستن علل وجود این پدیده، راه‌کارهایی که از بروز این پدیده در بازارهای سرمایه جلوگیری به عمل می‌آورد و نیز مدل‌هایی که بتواند این پدیده را پیش‌بینی کند، از اهمیت به‌سزایی برای اداره‌کنندگان بازار سرمایه که همواره در پی رونق این بازار از طریق جذب سرمایه‌های راكد است، برخوردار است (تنانی و همکاران، ۱۳۹۴).

خطر سقوط قیمت سهام، رخداد نامطلوبی است که به شکل بازده منفی شدید سهام، تعریف می‌شود (کیم و همکاران، ۲۰۱۶). چنین رخدادی به زیان شایان توجه ثروت سرمایه‌گذاران و کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران در بازار سرمایه می‌انجامد. این سؤال که چه عواملی موجب سقوط قیمت سهام می‌شود، نظر پژوهشگران زیادی را به خود جلب کرده است. مطالعات پیشین دو علت اساسی را شناسایی کرده‌اند؛ یکی به دلیل تضادهای نمایندگی، انگیز عدم انتشار اخبار بد به مدت طولانی در مدیران ایجاد می‌شود (بال، ۲۰۰۵).

دوم اینکه، زمانی که انباشت اخبار بد به اوج خود رسید، مدیران اخبار بد را یک‌باره منتشر می‌کنند که نتیجه آن، افت ناگهانی قیمت سهام در مقیاس بزرگ است (کیم و ژانگ، ۲۰۱۵).

سقوط قیمت سهام و دیدگاه‌های مختلف موضوعات تغییرات ناگهانی قیمت سهام طی سال‌های اخیر و به‌ویژه بعد از بحران مالی سال ۲۰۰۸، توجه بسیاری را به خود جلب کرده است این تغییرات عمدتاً به دو صورت سقوط و جهش قیمت سهام رخ می‌دهد با توجه به اهمیتی که سرمایه‌گذاران برای بازده سهام خود قائل هستند، پدیده سقوط سهام که به کاهش شدید بازده منجر می‌شود، در مقایسه با جهش بیشتر مورد توجه پژوهشگران بوده است. تعریف سقوط قیمت سهام دارای سه ویژگی مشخص است:

الف) سقوط قیمت سهام یک تغییر بسیار بزرگ و غیرمعمول در قیمت سهام است که بدون وقوع یک حادثه مهم اقتصادی رخ می‌دهد؛
ب) این تغییرات بسیار بزرگ به‌صورت منفی هستند؛

ج) سقوط قیمت سهام یک پدیده واگیردار در سطح بازار است، بدین معنی که کاهش قیمت سهام تنها به یک سهامی خاص منحصر نمی‌شود، بلکه تمام انواع سهام موجود در بازار را شامل می‌شود.

پیشینه تحقیق:

پورعلی و حاجتمند (۱۳۹۸) به بررسی رابطه ساختار مالکیت، کیفیت حسابرسی و ساختار هیئت مدیره با ریسک سقوط قیمت سهام پرداختند. تایید نشان می‌دهند که متغیر اندازه موسسه حسابرسی با ریسک سقوط قیمت سهام رابطه‌ی منفی و معناداری دارد. در حالیکه متغیر دوره تصدی حسابرس هیچ‌گونه رابطه معناداری با ریسک سقوط قیمت سهام ندارد. نتایج بیانگر وجود رابطه منفی و معنادار بین استقلال هیئت مدیره با ریسک سقوط قیمت سهام و عدم وجود رابطه معنادار بین اندازه هیئت مدیره با ریسک سقوط قیمت سهام می‌باشد.

^۱Kim et al

^۲Kim and Zhang

خوبینی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی اثربخشی کمیته حسابرسی و معیارهای عملکرد شرکت‌ها پرداختند. نتایج پژوهش بیانگر این است که بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی شامل استقلال و تخصص حسابداری اعضای آن با معیارهای عملکرد شامل نرخ بازده دارایی، نرخ بازده حقوق صاحبان سهام و نسبت کیوتوبین ارتباط معناداری وجود دارد.

بادآور نهندی و تقی زاده خانقاه (۱۳۹۶) در پژوهشی تحت عنوان " بررسی تأثیر پرداخت سود سهام و عدم انتشار اخبار بد بر خطر سقوط قیمت سهام با تأکید بر عدم تقارن اطلاعاتی دریافتند پرداخت سود سهام تأثیر منفی و معناداری بر خطر سقوط قیمت سهام دارد.

بختیارپور و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی رابطه بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی، خدمات غیر حسابرسی و گزارش حسابرسی پرداختند. نتایج نشان داد بین نسبت اعضا غیرموظف در کمیته حسابرسی (استقلال کمیته حسابرسی) و نوع گزارش حسابرس رابطه معناداری وجود ندارد. بین نسبت متخصصان مالی حاضر در کمیته حسابرسی (تخصص مالی) و نوع گزارش حسابرس رابطه معناداری وجود ندارد. همچنین نوع گزارش حسابرس با حق الزحمه خدمات غیر حسابرسی حسابرس رابطه معناداری دارد. همچنین استقلال کمیته حسابرسی رابطه بین نوع گزارش حسابرس با حق‌الزحمه خدمات غیر حسابرسی حسابرس را تعدیل نمی‌کند. علاوه بر آن تخصص مالی کمیته حسابرسی رابطه بین نوع گزارش حسابرس با حق‌الزحمه خدمات غیر حسابرسی حسابرس را تعدیل نمی‌کند.

مرادزاده فرد و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی به اثربخشی کمیته حسابرسی و کیفیت حسابرسی: آزمون تجربی رویکرد نظارتی، پرداختند. یافته‌های پژوهش حاکی از رابطه مثبت و معنادار بین اثربخشی کمیته حسابرسی و کیفیت حسابرسی است

جهانگیر علی^۱ و همکاران (۲۰۱۸) به بررسی تأثیر اثربخشی کمیته حسابرسی بر حق الزحمه حسابرسی و حق الزحمه خدمات غیر حسابرسی پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که اثربخشی کمیته حسابرسی بر حق الزحمه حسابرسی تأثیر معناداری دارد. اثربخشی کمیته حسابرسی بر حق الزحمه خدمات غیر حسابرسی تأثیر معناداری دارد.

ماسلیزا^۱ و همکاران (۲۰۱۶) به بررسی اثربخشی کمیته حسابرسی و هیئت مدیره با مدیریت سود پرداختند. یافته‌های آنها نشان می‌دهد بین اثربخشی کمیته‌های حسابرسی و هیئت مدیره با مدیریت سود قبل و بعد از اجرای قانون راهبری شرکتی در سال ۲۰۰۷ در مالزی، رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد.

کالن و فانگ (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان " مذهب و ریسک سقوط قیمت سهام به بررسی این موضوع می‌پردازند که آیا دین‌داری با خطر سقوط قیمت سهام در آینده مرتبط است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که دین به‌عنوان مجموعه‌ای از هنجارهای اجتماعی به کاهش فعالیت‌های مدیران در پنهان کردن اخبار بد از سهامدار کمک می‌کند. همچنین نتایج نشان می‌دهد که رابطه منفی بین مذهب و خطر سقوط قیمت سهام در آینده برای شرکت‌های پرمخاطره و برای شرکت‌هایی با حاکمیت شرکتی ضعیف، قوی‌تر است.

روش تحقیق:

پژوهش حاضر از لحاظ هدف، از نوع پژوهش‌های کاربردی است. از نظر زمانی مقطعی است. ارتباط بین متغیرها از نوع توصیفی-همبستگی است و در آن از مدل رگرسیون برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌های مطرح شده استفاده می‌شود. به منظور گردآوری داده‌ها، از صورت‌های مالی شرکت‌ها شامل صورت سود و زیان شرکت و از صورت‌های مالی تاریخی به کمک نرم افزار ره آورد نوین و بانک اطلاعاتی سازمان بورس و اوراق بهادار (کدال) و پایگاه‌های اینترنتی بورس گردآوری خواهد شد. به

^۱Callen and Fang

منظور گردآوری داده های بخش تئوریک و ادبیات موضوع تحقیق، از روش کتابخانه ای (با سود بردن از ابزارهایی همچون کتابها، مقالات، پایان نامه ها و متون دیجیتالی) استفاده می شود. آزمون فرضیه ها با روش رگرسیون چند متغیره (با استفاده از نرم افزار ایویوز) صورت خواهد گرفت.

مدل های پژوهش

در این پژوهش برای بررسی فرضیه ها از مدل های زیر استفاده خواهد شد:

مدل آزمون فرضیه ۱:

$$NCSKEW_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 ACE_{i,t} + \beta_2 SIZE_{i,t} + \beta_3 MTB_{i,t} + \beta_4 LEV_{i,t} + \beta_5 CFO_{i,t} + \beta_6 ROA_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

مدل آزمون فرضیه ۲:

$$NCSKEW_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 ACE_{i,t} + \beta_2 AR_{i,t} + \beta_3 ACE_{i,t} * AR_{i,t} + \beta_4 SIZE_{i,t} + \beta_5 MTB_{i,t} + \beta_6 LEV_{i,t} + \beta_7 CFO_{i,t} + \beta_8 ROA_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

نحوه محاسبه و گردآوری داده ها در مدل:

متغیر وابسته:

خطر سقوط قیمت سهام (NCSKEW): برای اندازه گیری خطر سقوط سهام از مدل ضریب چولگی چن و همکاران (۲۰۰۱) و مدل هاتن و همکاران (۲۰۰۹) استفاده می شود:

$$NCSKEW_{it} = \frac{-(n(n-1))^{\frac{1}{2}} \sum R_{j\theta}^3}{((n-1)(n-2)(\sum R_{j\theta}^2))^{\frac{3}{2}}}$$

$R_{j\theta}$: بازده ماهانه خاص شرکت j در ماه θ طی سال مالی و n تعداد ماههای مشاهده شده بازده طی سال مالی است.

R : بازده هفتگی خاص شرکت است که از رابطه زیر بدست می آید:

$$R_{j\theta} = \ln(1 + \varepsilon_{j\theta})$$

که $\varepsilon_{j\theta}$ باقیمانده شرکت j در ماه θ است که عبارتست از:

$$r_{j,t} = \alpha_j + \beta_{j,1} r_{m,t-2} + \beta_{j,2} r_{m,t-1} + \beta_{j,3} r_{m,t} + \beta_{j,4} r_{m,t+1} + \beta_{j,5} r_{m,t+2}$$

$r_{j,t}$: بازده ماهانه سهام شرکت j در ماه t است.

[°]EViews

[°]stock price crash risk

$T_{m,t}$: بازده ماهانه بازار است.

متغیر مستقل:

اثربخشی کمیته حسابرسی (ACE): در پژوهش حاضر برای اندازه گیری اثربخشی کمیته حسابرسی مطابق با پژوهش جهانگیر علی و همکاران (۲۰۱۸) از مجموع نمرات سنجه های الف ب ج مشاهده پذیر زیر استفاده خواهد شد:

الف: تخصص مالی کمیته حسابرسی: در این پژوهش برای سنجش تخصص مالی کمیته حسابرسی از نسبت اعضای کمیته حسابرسی دارای تخصص مالی و حسابداری به تعداد کل اعضای کمیته حسابرسی شرکت استفاده شده است.

ب: اندازه کمیته حسابرسی: اندازه کمیته حسابرسی بیانگر تعداد کل اعضای کمیته حسابرسی است که می تواند تأثیر سازنده ای بر کمیته حسابرسی داشته باشد. کمیته های حسابرسی بزرگ شامل اعضایی با تخصص های متنوع به صورت مؤثرتری بر شیوه های گزارشگری مالی نظارت دارند.

ج: استقلال کمیته حسابرسی: در پژوهش حاضر برای سنجش استقلال کمیته حسابرسی از نسبت اعضای مستقل کمیته به تعداد کل اعضای کمیته حسابرسی استفاده شده است.

متغیرهای کنترلی

اندازه شرکت (SIZE): در مطالعه حاضر اندازه شرکت از طریق لگاریتم طبیعی فروش شرکت محاسبه خواهد شد.

نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری (MTB): نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری از تقسیم حاصلضرب قیمت پایانی سهام در تعداد سهام منتشر شده و در دست سهامداران به ارزش دفتری جمع کل حقوق صاحبان سهام شرکت بدست می آید.

اهرم مالی^۹ (LEV): در ادبیات مالی نسبت بدهی ها به دارایی ها معرف اهرم مالی شرکت بوده و نشان دهنده میزان تأمین مالی بلند مدت برون شرکتی واحد تجاری است. در این مطالعه، این نسبت از طریق تقسیم بدهی ها به مجمع کل دارایی ها بدست می آید.

جریان های نقدی عملیاتی (CFO): این متغیر نشان دهنده جریان های ورودی / خروجی نقدی ناشی از فعالیت های عملیاتی شرکت می باشد. جریان های نقدی عملیاتی بصورت مستقیم از صورت جریان وجوه نقد قابل استخراج بوده و با استفاده از میانگین جمع کل دارایی ها همگن سازی خواهد شد.

سودآوری شرکت (ROA): برای محاسبه سودآوری از بازده دارایی ها که حاصل تقسیم سود خالص به کل دارایی های است استفاده میگردد.

^۸audit committee effectiveness

^۹Ratio of market value to book value

Financial Leverage

^{۱۰}Operating cash flow

^{۱۱}Return on assets

متغیر تعدیل کننده:

گزارش حسابرس (AR): اگر حسابرس در مورد صورت های مالی شرکت گزارش مقبول بدهد برابر ۱ و در غیر اینصورت برابر ۰ است

جامعه و نمونه

جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران میباشد. در این پژوهش برای این که نمونه آماری یک نماینده مناسب از جامعه آماری مورد نظر باشد، از روش حذف سیستماتیک استفاده شده است. برای این منظور پنج معیار زیر در نظر گرفته شده و در صورتی که شرکتی کلیه معیارها را احراز کرده باشد به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شده و مابقی حذف می شوند.

- (۱) شرکت قبل از سال ۱۳۹۱ در بورس پذیرفته شده و تا پایان سال ۱۳۹۷ در بورس فعال باشد.
- (۲) به دلیل ماهیت خاص فعالیت شرکت های هلدینگ، بیمه، لیزینگ، بانک ها، موسسات مالی و سرمایه گذاری و تفاوت قابل ملاحظه آنها با شرکت های تولیدی و بازرگانی، شرکت انتخابی جز شرکت های یاد شده نباشد.
- (۳) از منظر افزایش قابلیت مقایسه، سال مالی شرکت منتهی به ۲۹ اسفند باشد و طی بازه زمانی پژوهش تغییر سال مالی نداشته باشد.
- (۴) سهام شرکت ها در طول هر یک از سال های دوره پژوهش معامله شده باشد
- (۵) اطلاعات مالی شرکت ها در دسترس باشد.

جدول (۱-۳) روند انتخاب نمونه

۵۱۳	تعداد کل شرکت های پذیرفته شده در بورس در پایان سال ۹۷
	معیارها:
(۱۸۵)	تعداد شرکت هایی که در قلمرو زمانی ۹۷-۹۱ در بورس فعال نبوده اند
(۵۳)	تعداد شرکت هایی بعد از سال ۹۱ در بورس پذیرفته شده اند
(۵۰)	تعداد شرکت هایی که جز هلدینگ، سرمایه گذاری ها، واسطه گری های مالی، بانک ها و یا لیزینگ ها بوده اند
(۵۰)	تعداد شرکت هایی که در قلمرو زمانی تحقیق تغییر سال مالی داده و یا سال مالی آن منتهی به پایان اسفند نمی باشد
(۳)	تعداد شرکت هایی که در قلمرو زمانی تحقیق اطلاعات مورد آن ها در دسترس نمی باشد
۱۷۲	تعداد شرکت های نمونه

بعد از مدنظر قرار دادن کلیه معیارهای بالا، تعداد ۱۷۲ شرکت به عنوان جامعه غربالگری شده باقیمانده است. که همه آن ها به عنوان نمونه انتخاب شده اند. از این رو مشاهدات ما طی بازه زمانی ۱۳۹۱ لغایت ۱۳۹۷ به ۱۲۰۴ سال - شرکت (۷ سال ۱۷۲× شرکت) می رسد.

آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

آمار توصیفی آنتظیم و طبقه بندی داده ها، نمایش ترسیمی، و محاسبه مقادیری از قبیل نما، میانگین، میانه و ... می باشد که حاکی از مشخصات یکایک اعضای جامعه مورد بحث است. در جدول (۴-۱) اطلاعات مربوط به شاخص های مرکزی (میانگین، میانه، بیشینه و کمینه) و پراکندگی داده ها (انحراف معیار، چولگی و کشیدگی) ارائه شده است.

جدول (۴-۱) آمار توصیفی متغیرها

متغیر	ریسک سقوط قیمت سهام	اثربخشی کمیت حسابرسی	گزارش حسابرس	اندازه شرکت	ارزش بازار به ارزش دفتری	اهرم مالی	جریان نقد عملیاتی	سودآوری
میانگین	-۰.۱۹۴۱۷۸	2.509967	0.467608	13.91316	2.508406	0.613872	0.116934	0.098335
میانه	-۰.۱۶۶۴۹۲	3.666667	0.000000	13.77685	2.062047	0.610625	0.101240	0.084814
ماکسیمم	2.612473	7.000000	1.000000	19.72257	121.5096	4.002704	0.642210	0.626784
مینیمم	-۲.۶۲۳۰۲۰	0.000000	0.000000	8.504513	-۵۳.۲۱۷۹۳	0.090164	-۰.۴۶۰۰۸۸	-۱.۰۶۳۲۵۲
انحراف معیار	0.724493	1.879220	0.499157	1.621104	5.791551	0.254333	0.128882	0.144004
چولگی	-۰.۰۸۰۷۴۱	-۰.۴۴۲۳۳۹	0.129841	0.538441	8.575311	3.054508	0.375621	-۰.۳۸۹۰۱۴
کشیدگی	3.468385	1.582333	1.016859	4.051119	205.9787	33.67966	4.549273	9.426866
تعدادمشاهدات	1204	1204	1204	1204	1204	1204	1204	1204

آزمون F لیمر و هاسمن:

ابتدا به منظور انتخاب بین روش های داده های تابلویی و داده های تلفیقی از آزمون F لیمر استفاده می شود. اگر احتمال (p-value) محاسبه شده بیشتر از سطح خطای ۰,۰۵ باشد از داده های تلفیقی استفاده شده که دیگر نیازی به آزمون هاسمن نیست و در غیر این صورت از داده های تابلویی استفاده خواهد شد. در داده های تابلویی از آزمون هاسمن برای انتخاب روش آزمون فرضیه ها استفاده می گردد. اگر سطح معناداری آزمون هاسمن کمتر از ۰,۰۵ باشد از روش اثرات ثابت و در غیر این صورت از روش تصادفی استفاده می گردد. جدول (۴-۸) نتایج حاصل از آزمون F لیمر و هاسمن را برای مدل های پژوهش نشان می دهد.

جدول (۴-۸) آزمون F لیمر

مدل	آماره	سطح معناداری	نتیجه
۱	آزمون F	۰,۰۰۸۵	پانلی

^{۱۲} Descriptive statistics

اثرات ثابت	۰.۰۱۳۳	آزمون هاسمن	
پانلی	۰.۰۰۷۶	آزمون F	۲
اثرات ثابت	۰.۰۴۱۲	آزمون هاسمن	

بر اساس جدول (۴-۸)، با توجه به سطح معناداری به دست آمده از آزمون F لیمر برای فرضیه ها، نوع داده ها و روش آزمون هریک از فرضیه ها مشخص شده است

آزمون نرمال بودن خطاها

بررسی و انجام آزمون مذکور بر اساس آماره جارک برا است. چنانچه سطح احتمال آزمون جارک برا پایین و کمتر از ۰.۰۵ باشد، فرض صفر، یعنی نرمال بودن سری رد می شود. نتایج این آزمون در جدول (۴-۴) ارائه شده است. یکی از فروض مهم راجع به جمله باقیمانده این است که توزیع جملات آن نرمال است. به منظور آزمون نرمال بودن جمله خطا از آماره آزمون جارکو-برا^{۱۳} استفاده شده است. با توجه به نتایج بدست آمده، احتمال آزمون جارکو-برا، برای مدل های پژوهش کمتر از ۵ درصد می باشد. بنابراین فرضیه صفر مبنی بر نرمال بودن جمله خطا در مدل رد می شود. با این وجود زمانی که اندازه نمونه به اندازه کافی بزرگ باشد، انحراف از فرض نرمال بودن معمولاً بی اهمیت و پیامدهای آن ناچیز است. در شرایط مذکور، با توجه به قضیه حد مرکزی می توان دریافت که حتی اگر باقیمانده ها نرمال نباشند، آماره های آزمون به طور مجانبی از توزیع نرمال پیروی می کنند، بدون تورش هستند و از کارایی برخوردارند. لذا با توجه به این مطالب می توان فرض نرمال بودن جمله خطا را نادیده گرفت.

جدول (۴-۴) آزمون نرمال بودن خطای مدل

مدل	نوع آزمون	سطح معناداری	نتیجه آزمون
۱	جارک برا	۰.۰۰۰	عدم نرمال بودن خطاها
۲	جارک برا	۰.۰۰۰	عدم نرمال بودن خطاها

عدم خود همبستگی متغیرها

اگر یک متغیر به متغیرهای دوره یا دوره های قبل خودش وابسته باشد خود همبستگی می گویند که اگر به یک دوره قبل وابسته باشد خود همبستگی مرتبه اول و اگر به دوره های قبل تر وابسته باشد همبستگی آن دوره یا سریالی گویند. به عبارت دیگر هر گاه دو مقدار متفاوت برای متغیرهای مستقل را در نظر بگیریم، فرض بر این است که جمله های اخلاص متناظر با آنها از یکدیگر مستقلند. در چنین حالتی می گوئیم که جمله های اخلاص خود همبستگی ندارند. آزمون دوربین واتسون از مشهورترین آزمون ها جهت تشخیص خود همبستگی است. زمانی که آماره دوربین واتسون در حدود ۱.۵ تا ۲.۵ باشد، معرف آن است که خود همبستگی وجود ندارد، ولی مقادیر بالاتر یا کمتر از ۱.۵ تا ۲.۵ معرف آن است که جملات خطا به صورت تصادفی اتفاق نمی افتند و بنابراین، نتایج غیرواقعی است.

^{۱۳} Jarque-Bera

جدول (۴-۷): خودهمبستگی آزمون دوربین- واتسون

مدل	آزمون	آماره آزمون	نتیجه
۱	دوربین واتسون	۲.۱۲۵	عدم وجود خودهمبستگی
۲	دوربین واتسون	۲.۱۲۹	عدم وجود خودهمبستگی

مقدار آماره دوربین- واتسون بین ۱,۵ تا ۲,۵ است که این مقدار، عدم وجود خود همبستگی خطاها (مرتب اول) را نشان می‌دهد.

آزمون همسانی واریانس خطاها

یکی از پیش فرض‌های مدل رگرسیون، ثابت بودن واریانس خطا است. به طوری که با وجود ناهمسانی واریانس در مدل، افزایش یا کاهش در متغیر مستقل، واریانس متغیر وابسته که برابر با واریانس پسماند است تغییر می‌کند. در این پژوهش برای اطمینان از نتایج به دست آمده، برای بررسی همسانی واریانس‌ها در داده‌های ترکیبی از روش بارتلت استفاده می‌شود. در روش همسانی واریانس بارتلت، فرض صفر مبنی بر همسانی واریانس‌ها و فرض مخالف آن ناهمسانی واریانس‌ها در نظر گرفته می‌شود. جدول (۴-۵) نتایج حاصل از آزمون همسانی مدل ۱ پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول (۴-۵): آزمون همسانی واریانس خطاهای مدل

مدل	نوع آزمون	احتمال آزمون	نتیجه آزمون
۱	بارتلت	۰.۰۰۰	ناهمسانی واریانس
۲	بارتلت	۰.۰۰۰	ناهمسانی واریانس

با توجه به نتایج جدول (۴-۵) که نشان دهنده مقدار احتمال کوچک‌تر از ۰,۰۵ است، می‌توان گفت واریانس خطاها ناهمسان است و فرض صفر مبنی بر ثابت بودن واریانس مدل رد شده است. بنابراین، به منظور رفع ناهمسانی واریانس از رگرسیون حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS) استفاده می‌کنیم.

تحلیل آزمون فرضیه های پژوهش

بعد از اینکه فروض کلاسیک مربوط به رگرسیون و مانایی متغیرهای پژوهش مورد بررسی قرار گرفت و روش تخمین مدل هم مشخص گردید، حال نوبت آن است که مدل با توجه به نتایج آزمون F لیمر وهاسمن برآورد گردد. زمانیکه تعداد شرکت‌ها از مقاطع دوره زمانی بیشتر باشد ممکن است مشکل ناهمسانی واریانس رخ دهد. در این پژوهش برای تشخیص ناهمسانی واریانس‌ها از آزمون وایت و برای تشخیص وجود خود همبستگی بین متغیرها از آزمون دوربین- واتسون استفاده شده است. لازم به ذکر است که در مدل‌های مورد استفاده، وجود ناهمسانی واریانس‌ها تایید شده است و از آزمون GLS استفاده شده است. در نهایت نرم افزار ایویوز برای تشخیص رابطه موجود بین متغیرها به کار گرفته شده است. به منظور آزمون فرضیه‌ها از نتایج تخمین مدل تحقیق ارائه شده در جدول (۴-۹) بهره گرفته شده است. مقدار احتمال (یا سطح معنی‌داری) F برابر ۰,۰۰۰۰ بوده و چون این مقدار کمتر از ۰,۰۵ است، فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می‌شود، یعنی مدل معنی‌دار است. مقدار آماره دوربین- واتسون ۲,۱۲۵ می‌باشد که این مقدار، عدم وجود خود همبستگی خطاها (مرتب اول) را نشان می‌دهد. در حالت کلی نتایج نشان می‌دهد که ضریب متغیر اثربخشی کمیته حسابرسی منفی بوده که نشان دهنده تاثیر منفی

اثر بخشی کمیته حسابرسی بر ریسک سقوط قیمت سهام می باشد. که با توجه به سطح معنی داری متغیر مستقل اثر بخشی کمیته حسابرسی که برابر ۰,۰۲۱۵ بوده که کمتر از ۵ درصد بوده، معنی دار می باشد. با توجه به موارد فوق، فرضیه اول تحقیق تایید می شود.

جدول (۴-۹): نتایج تخمین مدل اول پژوهش

متغیر	ضریب برآوردی	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری
مقدار ثابت (عرض از مبدأ)	-۱.۶۳۵۳۳۶	۰.۶۹۲۴۴۵	-۲.۳۶۱۶۸۴	۰.۰۱۸۴
اثر بخشی کمیته حسابرسی	-۰.۰۱۱۹۹۵	۰.۰۱۲۸۶۸	-۵.۹۳۲۲۱۴	۰.۰۲۱۵
اندازه شرکت	۰.۱۱۰۰۹۲	۰.۰۵۰۰۸۲	۲.۱۹۸۲۱۷	۰.۰۲۸۲
ارزش بازار به ارزش دفتری	۰.۰۱۰۹۲۲	۰.۰۰۳۹۰۶	۲.۷۹۵۸۴۷	۰.۰۰۵۳
اهرم مالی	-۰.۰۲۳۶۱۹	۰.۱۳۷۵۸۷	-۰.۱۷۱۶۶۷	۰.۸۶۳۷
جریان نقد عملیاتی	-۰.۱۹۶۰۶۹	۰.۱۷۱۳۰۸	-۱.۱۴۴۵۳۵	۰.۲۵۲۷
سودآوری	-۰.۵۹۰۴۷۹	۰.۲۱۸۱۳۲	-۲.۷۰۶۹۸۱	۰.۰۰۶۹
ضریب تعیین تعدیل شده			۰.۲۰۹	
دوربین- واتسون			۲.۱۲۵	
سطح معناداری (آماره F)				۰.۰۰۰

برای آزمون فرضیه دوم از نتایج تخمین مدل تحقیق ارائه شده در جدول (۴-۱۰) بهره گرفته شده است. مقدار احتمال (یا سطح معنی داری) F برابر ۰,۰۰۰۰ بوده و چون این مقدار کمتر از ۰,۰۵ است، فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می شود، یعنی مدل معنی دار است. مقدار آماره دوربین- واتسون ۲,۱۲۹ می باشد که این مقدار، عدم وجود خود همبستگی خطاها (مرتبه اول) را نشان می دهد. در حالت کلی نتایج نشان می دهد که با توجه به سطح معنی داری متغیر مستقل (اثر بخشی کمیته حسابرسی) گزارش حسابرس که برابر ۰,۰۳۱۵ بوده که کمتر از ۵ درصد بوده، معنی دار می باشد. بنابراین گزارش حسابرس رابطه بین اثر بخشی کمیته حسابرسی و ریسک سقوط قیمت سهام تعدیل می کند. با توجه به موارد فوق، فرضیه دوم تحقیق تایید می شود.

جدول (۴-۱۰): نتایج تخمین مدل دوم پژوهش

متغیر	ضریب برآوردی	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری
مقدار ثابت (عرض از مبدأ)	-۱.۵۴۲۸۱۲	۰.۷۰۴۷۲۰	-۲.۱۸۹۲۵۶	۰.۰۲۸۸
اثربخشی کمیته حسابرسی	-۰.۰۲۰۸۷۴	۰.۰۱۵۳۴۰	-۱.۳۶۰۷۷۳	۰.۱۷۳۹
گزارش حسابرس	-۰.۰۳۴۶۱۸	۰.۰۸۹۵۱۳	-۰.۳۸۶۷۳۸	۰.۶۹۹۰
اثربخشی کمیته حسابرسی* گزارش حسابرس	۰.۰۲۴۷۸۵	۰.۰۲۳۳۰۲	۴.۰۶۳۶۴۱	۰.۰۳۱۵
اندازه شرکت	۰.۱۰۳۷۳۴	۰.۰۵۱۰۲۲	۲.۰۳۳۱۱۱	۰.۰۴۲۴
ارزش بازار به ارزش دفتری	۰.۰۱۰۹۸۸	۰.۰۰۳۸۸۲	۲.۸۳۰۲۰۱	۰.۰۰۴۸
اهرم مالی	-۰.۰۱۹۵۸۷	۰.۱۳۶۷۳۰	-۰.۱۴۳۲۵۴	۰.۸۸۶۱
جریان نقد عملیاتی	-۰.۱۹۷۹۴۴	۰.۱۷۰۵۳۴	-۱.۱۶۰۷۲۶	۰.۲۴۶۱
سودآوری	-۰.۵۹۲۸۸۹	۰.۲۱۷۶۷۶	-۲.۷۲۳۷۲۷	۰.۰۰۶۶
ضریب تعیین تعدیل شده			۰.۱۹۹	
دوربین- واتسون			۲.۱۲۹	
سطح معناداری (آماره F)			۰.۰۰۰	

نتیجه گیری حاصل از پژوهش

هدف این پژوهش بررسی نقش تعدیلی گزارش حسابرس بر رابطه بین اثربخشی کمیته حسابرسی و ریسک سقوط قیمت سهام است. بر این اساس، در این پژوهش بررسی در دوره زمانی ۷ ساله از ۱۳۹۱ الی ۱۳۹۷ انجام شده است و آزمون فرضیه ها با استفاده از نرم افزار ایویوز انجام شده است. نتایج پژوهش به شرح زیر است:

آزمون فرضیه اول:

فرضیه ۱: بین اثربخشی کمیته حسابرسی و ریسک سقوط قیمت سهام رابطه معناداری دارد.

نتایج نشان می دهد که سطح معنی داری متغیر اثربخشی کمیته حسابرسی برابر ۰,۰۲۱۵ که کمتر از ۵ درصد بوده، معنی دار می باشد. با توجه به موارد فوق، فرضیه اول تحقیق تایید می شود. ضریب متغیر منفی بوده بنابراین با افزایش مقدار اثربخشی کمیته حسابرسی، ریسک سقوط قیمت سهام کاهش می یابد.

آزمون فرضیه دوم:

فرضیه ۲: گزارش حسابرس رابطه بین اثربخشی کمیته حسابرسی و ریسک سقوط قیمت سهام تعدیل می کند.

نتایج نشان می‌دهد که سطح معنی‌داری متغیر(اثربخشی کمیته حسابرسی) گزارش حسابرس) برابر ۰,۰۳۱۵ که کمتر از ۵ درصد بوده، معنی‌دار می‌باشد. با توجه به موارد فوق، فرضیه دوم تحقیق تایید می‌شود. یعنی گزارش حسابرس رابطه بین اثربخشی کمیته حسابرسی و ریسک سقوط قیمت سهام تعدیل می‌کند.

جدول (۵-۱) نتایج کل فرضیه های پژوهش

شماره فرضیه	عنوان فرضیه	تایید/رد
۱	بین اثربخشی کمیته حسابرسی و ریسک سقوط قیمت سهام رابطه معناداری دارد.	تایید
۲	گزارش حسابرس رابطه بین اثربخشی کمیته حسابرسی و ریسک سقوط قیمت سهام تعدیل می‌کند.	تایید

پیشنهادی کاربردی تحقیق

پیشنهادهای زیر به‌عنوان راهبردهایی برای تحقیقات ارائه می‌گردد:

۱. پیشنهاد می‌شود به منظور مقابله با رفتارهای فرصت طلبانه مدیران که نتیجه آن می‌تواند نادیده گرفتن هدف حداکثرسازی ثروت سهامداران به منظور دست یابی به منافع شخصی باشد، بر تصمیمات مدیران شرکت نظارت مستمر توسط کمیته حسابرسی و سایر نهادهای نظارتی انجام گیرد.
۲. پیشنهاد می‌گردد تا به تخصص مالی کمیته حسابرسی توجه شود زیرا که منجر به کاهش ارائه مجدد صورتهای مالی، همچنین کاهش احتمال وقوع اشتباه و تقلب در گزارشگری مالی می‌شود. که این امر میتواند بر کاهش ریسک سقوط سهام تأثیر بگذارد.
۳. باتوجه به نتایج مربوط به اثربخشی کمیته حسابرسی که حاکی از وجود رابطه با ریسک سقوط سهام بوده است پیشنهاد میشود که حداقل اعضای این کمیته ۵ نفر شوند تا بدین صورت بر استقلال این کمیته نیز افزوده گردد.

منابع و ماخذ

آزادی، کیهان؛ مهدی مشکى و مجتبی سمیع پور، ۱۳۹۴، نقش استقلال و تخصص مالی کمیته حسابرسی بر افشای اطلاعات مالی، اولین کنفرانس بین المللی مدیریت و حسابداری با رویکرد ارزش آفرینی، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات فارس.

بادآور نهندي؛ یونس، وحید تقی زاده خانقاه، (۱۳۹۶). تأثیر پرداخت سود سهام و عدم انتشار اخبار بد بر خطر سقوط قیمت سهام با تأکید بر عدم تقارن اطلاعاتی، فصلنامه‌ی بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۲۴، شماره ۱، بهار ۱۳۹۶، صفحه ۱۹-۴۰.

بختیارپور، مهدی؛ مهدی بشکوه و منوچهر نیکنام، (۱۳۹۶)، مطالعه رابطه بین ویژگیهای کمیته حسابرسی، خدمات غیر حسابرسی و گزارش حسابرس در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دومین کنفرانس بین المللی مدیریت و حسابداری، تهران، موسسه آموزش عالی صالحان.

پورعلی، محمدرضا و فهیمه حاجتمند، ۱۳۹۷، رابطه ساختار مالکیت، کیفیت حسابداری و ساختار هیئت مدیره با ریسک سقوط قیمت سهام، اولین همایش ملی نگرش های نوین در مدیریت، حسابداری و اقتصاد، رودسر، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودسر و املش.

تنانی، م.؛ صدیقی، ع.؛ امیری، ع. (۱۳۹۴). بررسی نقش سازوکارهای حاکمیت شرکتی در کاهش ریسک ریزش قیمت سهام شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مدیریت دارایی و تأمین مالی، ۳(۴)، ۱-۲۰.

حیدرپور؛ فرزانه، رجب دری؛ حسین، خلیفه شریفی، علی. (۱۳۹۵). ارتباط بین چرخه عمر شرکت و خطر سقوط قیمت سهام، فصلنامه پژوهش حسابداری، دوره ۶، شماره ۳، صفحه ۱-۲۲

خوئینی، محسن فقیه، مهرداد شفیعی (۱۳۹۷). ارتباط بین ویژگی های کمیته حسابداری با معیارهای عملکرد شرکت ها، مجله تحقیقات حسابداری و حسابداری، سال دهم - شماره چهارم، صفحه ۱۰۵-۱۲۷.

دیانتی دیلمی، ز.، مرادزاده، م.، محمودی، س. (۱۳۹۱). بررسی تأثیر سرمایه گذاران نهادی بر کاهش ریسک سقوط ارزش سهام. دانش سرمایه گذاری، ۱(۲)، ۱-۱۸.

رویایی، رمضانعلی، ابراهیمی، محمد، (۱۳۹۴) بررسی تأثیر ویژگی های کمیته ی حسابداری بر سطح افشای داوطلبانه اخلاق، فصلنامه حسابداری مالی، (۲۵): ۷۱-۸۸.

مرادزاده فرد، مهدی؛ محمد نوروزی؛ ناهید محرم زاده. (۱۳۹۶). اثربخشی کمیته حسابداری و کیفیت حسابداری: آزمون تجربی رویکرد نظارتی مقاله ۷، دوره ۱، شماره ۴، صفحه ۱۷۷-۱۹۸.

Ball, R. and L. Shivakumar. (2005). Earnings quality in UK private firms: Comparative loss recognition timeliness. *Journal of Accounting and Economics* 39, 83-128.

Carcello, J.V. and Palmrose, Z.V. (1994) "Attntt iiiigaii a iiiii eee eennnnnnm nn aappppppppppppppppaaaaaaaaaaccounting Research, Vol. 32 No. 3, pp. 1-30.

Chen, C.J.P., Su, X. and Wu, X. (2010) "Auditor Changes Following a Big ۴ Local Chinese Firm: A Case Study" *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 29 (1): ۴۱-۷۲.

Callen, Jeffrey L., and Xiaohua Fang, 2015, Short interest and stock price crash risk, *Journal of Banking & Finance* 60, 181-194.

Cullinan, C.P., Wang, F., Yang, B. and Zhang, J. (2012) "Audit Opinion Improvement and the Timing of Disclosure" *Advances in Accounting, Incorporating Advances in International Accounting*, 28 (2): 333-343.

Hutton, A.P., Marcus, A.J. & Tehranian, H. (2009). Opaque Financial Reports, R2, and Crash Risk. *Journal of Financial Economics*, 94, 67-86.

Jahangir Ali, M., Rajbans Kaur Shingara Singh, Mahmoud Al-Akra. (2018). "The impact of audit committee effectiveness on audit fees and non-audit service fees: evidence from Australia", *Accounting Research Journal*, <https://doi.org/10.1108/ARJ-11-2015-0144>.

Jin, L. and Myers, S.C. (2006) "R2 around the World: New Theory and New Tests" *Journal of financial Economics*, 79 (2): 257-292.

- Kousenidis, D.V., Ladas, A.C. and Negakis, C.I. (2014) “cc ciiii ii Coeeaaaii aaa iity cc ciiii ii Inrrriiii a Caa Rkkk Stcc Pccæ” hhe Journal of Economic Asymmetries, 11: 120-137.
- Kim, J.B., Luo, L. & Xei, H. (2016). Dividend Payments and Stock Price Crash Risk, available in: www.ssrn.com.
- Kim, Y. and Park, M. (2014 “Rea aciittt n atttt ’” Ciiett -Retention decisions,, The Accounting Review, Vol. 89 No. 1, pp. 367-401.
- Kim, J.-B. & Zhang, L. (2015). Accounting conservatism and stock price crash risk: firm-level evidence. Contemporary Accounting Research, 33(1), 412-441.
- Loudder, M.L., Khurana, I.K., Sawyers, R.B. Cordery, C. Johnson, C., Lowe, J. and Wundererele, R. (1992 “The Information Conent of Audit Qualifications”. *Auditing: A Journal of Practive and Theory*, 11 (Spring): 69-82.
- Masliza, W., Wasiuzzaman., M., Zaki. N. and Salleh N. (2016”” Board and audit committee effectiveness, ethnic diversification and earnings management: a study of the Malaysian manufacturing sector” Corporate Governance: The International Journal of Business in Society, 6:4, 726-746.
- Xu, Nianhang , Xiaorong Li, Qingbo Yuan, Kam C. Chan. (2014 “xxce ee a kkkkk price crash risk: Evidence from China” 419-434, Journal of Corporate Finance 25.

